

مروری بر کشف و استخراج نخستین معادن اطراف مشهد به مناسبت روز صنعت و معدن

روزگاری که بازار زغال سنگ داغ بود



کارگران معدن زغال سنگ، انجیل رنگه، در دهه ۵۰ قرن ۱۴ خورشیدی

حسین بیات | پژوهشگران می‌گویند ما کلا دو

صنعت پایه داریم، کشاورزی ومعدن کاری. کشاورزی

مواد اولیه خوراک، پوشاک و تاحدودی بعضی

مصالح ساختمانی را تأمین می کند و معدن کاری،

مواد موردنیاز صنایع اولیه، ساختمان سازی و تمام

سوخت را فراهم می آورد. دهیم تیرماه هر سال با

مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، به‌عنوان

روز صنعت و معدن گرامی داشته می‌شود. همین

مناسبت بهانه‌ای شده است تا به یکی از این

صنعت‌های پایه بپردازیم که در مشهد قدمت زیادی

دارد. تاریخ‌وهویت امروز نگاهی انداخته است بر

معدن‌های زغال‌سنگ اطراف مشهد.

اکتشافات معدنی اطراف مشهد

طبق گزارش‌های مختلف جغرافی‌نویسان اسلامی، کوه‌های اطراف مشهد معدن مختلفی داشته است. دمشق در قرن هشتم درباره توس نوشته است: «در اطراف آن، کان‌های زر، نقره، مس، آهن، فیروزه، برام و بلور یافت می‌شود، و درباره نوغان آورده است: «در کوه‌های نوغان، معدن الاحجار است که از آن برای سایر بلاد خراسان، بریده می‌شود. همچنین معدن نقره، برنج، آهن، فیروزه، الجمهیر و بلور وجود دارد». چنین گزارش‌هایی در برخی دیگر از منابع جغرافیایی نیز انعکاس یافته است و ناصرالدین‌شاه قاجار براساس همین اخبار است که به اکتشافات معدنی در اطراف مشهد می‌پردازد. او به‌دلیل فقر خزانه از یک‌سو و مشاهده پیشرفت دانش زمین‌شناسی در اروپا ازسوی دیگر، توجه زیادی به اکتشاف طلا می‌کند و در بیشتر سفرهای خود، به‌دنبال معادن طلا و نقره است.

خراسان از مناطقی است که در دوره ناصرالدین‌شاه، بررسی می‌شود. در ساختار اداری و دیوانی اوایل دوره ناصری، امور صنایع و معدن در قالب وزارت تجارت یا امور صنایع و تجارت و معدن انجام می‌گیرد که محمودخان میرنچیه‌فراگوزلو عهده‌دارش است. در همین راستاست که ناصرالدین‌شاه در فرمانی به قوام‌الدوله، وزیر مملکت خراسان، تأکید می‌کند: «هرکس معدن جدیدی از فلزات بداند و خواسته باشد کار کند یا معدن قدیمی را اجاره کند، یا خود به دربار آمده و نمونه از سنگ بیاورد، یا آدم بلدی ازسوی خود همراه نمونه سنگ‌معدن بفرستد، باید با فراگوزلو مذاکره کند».

ناصرالدین‌شاه همچنین موسی‌خان وعلی اصغر را برای تحقیق به خراسان می‌فرستد. آن‌ها در گزارش تلگرافی ۱۲۹۵ قمری به پیدا شدن حدودنیم‌درغ‌ر که در معدن قدیمی اشاره می‌کنند، اما به‌دلیل مهیا نبودن اسباب و لوازم مخصوص برای تعیین عیار و مقدار طلا و سرب معدن در خراسان، نمی‌توانند اطلاعات بیشتری بدهند. امین‌السلطان برای آن‌ها ذره‌بین و لوازم تحقیق می‌فرستد و درمقابل، آن‌ها نمونه‌هایی از مواد استخراج‌شده را برای شاه می‌فرستند. در ادامه به دستور ناصرالدین‌شاه، امین معدن برای تحقیق وضعیت معدن، عازم خراسان می‌شود. خود شاه هم در سفر دومش به خراسان، نمونه‌هایی را از معدن غرب کوهسنگی، روستای مایان و اطراف طربقه بررسی می‌کند.

اولین معدن زغال سنگ

آصف‌الدوله، والی وقت خراسان، نیز در گزارش ۲۹ محرم ۱۲۰۳ قمری به وجود چند معدن زغال سنگ در هر گوشه کوه‌ها اشاره می‌کند، ولی به‌خاطر مخارج و اطمینان نداشتن، کسی اقدام نمی‌کند. معدنی که فرستاده والی پیدا می‌کند، «تا مشهد دوازده فرسخ فاصله دارد و در آوردن آن و ساختن راه تا مشهد که عرابه بیاورد، حدود ۲ هزار تومان خرج دارد». آصف‌الدوله قصد داشته دست‌خط مالکیت آن را از شاه بگیرد و اگرچه استخراج معدن می‌توانست درآمد یک عشر برای دولت نیز داشته باشد، رقابت درباریان ازجمله مخبرالدوله، وزیر معدن، مهم‌ترین مانع کسب این امتیاز محسوب می‌شود.

روستای پایه در هفتادوپنج کیلومتری مشهد و در قسمت کوهپایه‌ای رشته‌کوه بینالود و نزدیک به گل‌مکان نیز معدن زغال سنگ داشته است. کلنل بیت بریتانیایی در کتاب «سفرنامه سیستان و خراسان» به وجود مقادیر زیادی زغال سنگ در کوه‌های اطراف مشهد اشاره و تأکید کرده است: «تاکنون تلاش برای جست‌وجو یا دست یافتن به آن صورت نگرفته است. او تکه‌ای از آن را در مشهد می‌سوزاند، اما این نمونه مقدار کمی زغال داشت و زیاد خوب نبود». همچنین مقداری از زغال سنگ این روستا در زمان جنگ جهانی اول به مشهد حمل می‌شود ولی آن‌قدر زیاد نیست که بر اقتصاد و صنعت شهر تأثیر بگذارد. ارتفاعات اطراف مشهد در فاصله سی‌ودوکیلومتری جنوب شهر از دیگر جاهایی است که زغال‌سنگ دارد. اگرچه زغال‌سنگ مصرفی نخستین کارخانه‌برق حرم‌مطهر، اهدایی مظفرالدین‌شاه، در سال ۱۲۷۱ قمری (۱۲۷۸ خورشیدی) به‌سختی تأمین می‌شده، اما آن‌طور که ژنرال سرپرسی مولس‌ورث سایکس، سرکنسول انگلیس در مشهد(هم‌دوره با آصف‌الدوله)، گزارش داده است، از نزدیکی مشهد زغال‌سنگ همواره استخراج می‌شود: «در مشهد با اینکه معدن چند مایل بیشتر از شهر دور نیست، ولی هریک تن زغال حدود چهار لیره تمام می‌شد و به‌نظر می‌آمد رگ معدن خیلی وسعت داشته باشد». در دوره رضاشاه و از سال ۱۳۰۸ خورشیدی که پیشرفت‌های شهر مشهد شروع می‌شود، هم‌زمان با استانداری محمدحسن تقی‌زاده پیشنهاد تأسیس شرکت زغال سنگ مشهد و چراغ خراسان نیز مطرح و مقرر می‌شود «شرکتی با ۱۴۰ هزار تومان با شرکت بیش از بیست نفر از محترمین شهر تشکیل شود»، و این پیشنهاد را ۲۷ مهر ۱۳۰۹ مجلس شورای ملی به‌صورت واگذاری امتیاز انحصاری استخراج معادن زغال سنگ اطراف مشهد تا دوازده فرسخ به آقای محمدولی‌خان اسدی، برای مدت پنجاه سال تصویب می‌کند، ولی به نتیجه نمی‌رسد. در اواسط دوره پهلوی اول از معدن زغال‌سنگ تربت‌جام استخراج صورت می‌گیرد و قرار است به‌زودی از معدن آق‌دربند نیز استخراج شود تا به مصرف کارخانه نخریسی خسروی برسد. یک هیئت اکتشافی به سرپرستی اشپیس مدت چهارده ماه در اطراف مشهد تا تربت‌جام، قوچان و سبزوار تفحص می‌کند و گزارش می‌دهد: «به‌طورکلی ایالت خراسان دارای منابع ثروتی تحت‌الارضی قابل‌ملاحظه، است که «استخراج معادن مزبور، نتایج مهم و مفیدی دارد و با استخراج زغال تربت‌جام و سایر نواحی زغال‌خیز، احتیاجات شهر مشهد و کارخانجات اطراف آن تأمین می‌شود». این گونه است که زغال‌سنگ به‌عنوان مهم‌ترین ماده معدنی اطراف مشهد، در دوره پهلوی به‌عنوان نیروی حرارتی صنایع و کارخانجات این پهنه مورداستفاده قرار می‌گیرد.

معدان آیتقد، چشمه‌گل، آق‌دربند، گل‌بانو، حوض معدن، آغنج و میان کوهی، مهم‌ترین معدان فعال

مشهد در دوره قاجار و پهلوی هستند.

آیتقد

یکی از معدان کشف‌شده زغال‌سنگ مشهد در اواخر دوره قاجار، مزرعه آیتقد بوده که زغال‌سنگ بسیار مرغوبی داشته است. نخستین کارخانه برق حرم با زغال این معدن روشن می‌شود. با وجود استعدادی که این معدن داشته است، در دوره بعدی به‌دلیل مشکلات استخراج، اختلافات مالکیت و نبود قوانین واضح و آشکار از آن استفاده نمی‌شود.

با استقرار اولین چراغ الکتریکی آستان قدس در سال ۱۲۷۱ قمری، معاون‌الصنایع همراه حاجی‌محمدحسن معاون‌التجار، عهده‌دار می‌شوند که آن میزان از زغال سنگ را که برای دایر کردن چراغ‌برق لازم است، از قرار چهار تومان تأمین کنند. آن‌ها بدون دیناری منفعت از اتابک اعظم اجازه گرفته، مشغول به کار استخراج می‌شوند، «معدن چی از تهران آورده [بودند] و تقریبا ۳ هزار تومان در مدت دو سال خرج کردند، ولی فقط توانستند پنجاه خورار زغال تحویل چراغ‌خانه نمایند. بدین جهت از اواخر شعبان ۱۳۱۹ قمری، چراغ مزبور به‌واسطه نبود زغال، خاموش و متروک شد و خسارت زیادی هم به کارکنان معدن وارد شد». علل دیگر ناکامی در استخراج زغال سنگ از این معدن، نبود علم و امتیاز و مقتدر نبودن دولت بود.

معدن زغال سنگ

مروری بر کشف و استخراج نخستین معادن اطراف مشهد به مناسبت روز صنعت و معدن

روزگاری که بازار زغال سنگ داغ بود



چشمه گل و گل بانو

معدان زغال‌سنگ چشمه گل و گل بانو در نزدیکی تربت‌جام، مهم‌ترین معدانی هستند که از دوره رضاشاه برای تأمین سوخت مشهد و فریمان استخراج می‌شوند. این معدان، دولتی بودند و قیمت آن‌ها را برای فروش در بازار مشهد، اداره معدان خراسان تعیین می‌کرد. در گزارشی، میزان محصول سالیانه چشمه‌گل ۴۰ هزار تن ذکر شده است که برای تأمین سوخت کارخانجات مشهد نظیر قندآبکوه و برق و نخریسی خسروی مصرف می‌شد. هیئت اعزامی به سرپرستی اشپیس نیز زغال سنگ این معدن را در ردیف معدان مهم زغال کشور ازقبیل شمشک و زیرآب قرار داده است. درمورد معدن گل‌بانو که همچنان فعال است، اطلاعات کمتری در دست است، جز اینکه تا سال ۱۳۷۴ دراختیار دولت بود و در این سال به یک شرکت‌تعاونی واگذار می‌شود.

آق دربند

آق دربند در فاصله صدوچهل‌وشش کیلومتری مشهد و در مسیر جاده سرخس قرار دارد. بهره‌برداری از این معدن که هنوز نیز ادامه دارد، از ۱۳۱۴ خورشیدی آغاز شده است. محل اداره و فروش آن در ابتدای خیابان خسروی مشهد بوده است؛ طبق آگهی تبلیغاتی ۸ مهر ۱۳۱۴ روزنامه شهامت، «زغال‌سنگ آق دربند از محصولات وطن و با صرف سرمایه و زحماتی استخراج شده، از بهترین زغال‌های دنیا، به‌شمار می‌رفته است؛ زیرا از نظر دوام با آن‌ها برابر بوده و دارای شعله زیادی بوده است. یکی از مزایای این زغال این بود که «ابدا در موقع سوخت بو نداشته» و چون روغن ذاتی داشته، به‌محض مصرف دو سیر هیزم آتش یا ریختن مقداری نفت بر روی آن، فوراً آفرخته می‌شده است. این زغال برای ماشین‌های چراغ‌برق، گرم کردن حمام و صنایع مختلف ازجمله کارخانه چرم‌سازی مشهد استفاده می‌شده است. شرکت‌سهامی معدان خاور در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۲۰ با سرمایه ۴ میلیون ریال در تهران تأسیس می‌شود و با سرمایه‌گذاری ۳۱ درصدی آستان قدس رضوی و ۶۹ درصدی بخش خصوصی، اداره امور معدن زغال سنگ آق دربند را برعهده می‌گیرد. در سال‌های بعد این معدن علاوه‌بر رفع نیاز صنایع نخریسی و قندآبکوه، نقش مهمی نیز در تأمین سوخت موردنیاز شهری دارد تااینکه مشهد گازکشی می‌شود.

هفت حوض

معدن هفت حوض یکی دیگر از معدان زغال سنگ اطراف مشهد بوده که نامش در سپردن امتیاز مجلس به محمدولی‌خان اسدی ذکر شده است. ولی بعد از لغو آن قرارداد، تکلیف قطعی آن تا مهر ۱۳۲۱ معلوم نیست. احتمالا هفت حوض همان معدن حوض باشد که در اوایل سال ۱۳۱۴ از گزینه‌های تأمین منابع صنایع مشهد بود، ولی کیفیت نامطلوب (۴ هزارو ۵۰۰ کالری تولیدی) و ۴۲ درصد خاکستر موجود در آن باعث می‌شود موردتوجه کارخانه نخریسی قرار نگیرد. موضوع استخراج معدن هفت حوض پس از شهریور ۱۳۲۰ محل توجه قرار می‌گیرد و اداره بازرگانی و پیشه و هنر استان نهم در مهر ۱۳۲۱ موافقت می‌کند که ظرف دو ماه وضعیت آن را بررسی کند و اجازه استخراج برای آزمایش داده شود. یک هفته بعد، شرکت‌سهامی نخریسی خسروی با استخدام علی سلیمی، آتشبار سابق معدن چشمه گل، که اطلاعات لازم در قسمت آتشباری دینامیت را داشته است، تصمیم می‌گیرد در این معدن شروع به اکتشاف کند.

درخت توت

معدن روستای درخت توت، یکی از معدان کوچک اطراف مشهد بوده که عبدالمجید مجیدفیاض آن را استخراج می‌کرده است. مجید فیاض تنها کسی است که روند استخراج معدان زغال‌سنگ و مشکلات آن را در خاطراتش تشریح کرده است. بنا به نوشته او، معدن درخت توت بر راه قدیم مشهد به نیشابور از مسیر شریف‌آباد قرار داشته و پیش از وی نیز در آنجا کاوش شده و آثاری از استخراج آن باقی بوده است. امتیاز این معدن را مردی که فقط یک کامیون کمپرسی سرمایه‌اش بود، به دست آورد، ولی نه قدرت استخراج نه قدرت فروش زغالش را داشت؛ چون با سرمایه اندک نمی‌توانست یک فعالیت اقتصادی سودآور داشته باشد.

آن‌طور که او نوشته است، شیوه استخراج بدین شکل بوده است که مردی به نام علم، از طوایف سیستانی ساکن درخت توت، با یک توبره پشتهی و یک الاغ، نقاط مختلف را معاینه و از آن‌ها نمونه‌برداری می‌کرد وحدس می‌زدکه اگر از فلان نقطه تونلی به‌وسعت رفت‌وآمد انسانی با‌توبره‌اش کنده شود، به رگه‌ای از زغال‌سنگ خواهد رسید. بعد از آن برای جلوگیری از ریزش سقف و دیوار تونل ستون‌بندی با چوب چنار ایجاد می‌کردند تا بدین‌وسيله زغال را بیرون آورده، برای حمل به شهر آماده کنند. در بهترین شرایط مقدار استخراج این معدن در طول هفته به‌اندازه تکمیل ظرفیت یک کامیون بوده است. مجید فیاض با مالک این معدن شریک می‌شود و با کمک یکی از دوستانش که با تکنیک بند و وصل لوازم دست‌دوم صنعتی آشنا بوده است، دو خط‌آهن در مسیر تونل قرار می‌دهد و یک واگن را با قدرت موتور ی به‌وسيله سیم‌های قطور بکسل تا عمق معدن پایین می‌برد و زغال را با واگن بالا می‌کشد. این زغال‌ها در مشهد به کوره‌داران و بیش از همه به خود مجید فیاض و کهلانی فروخته می‌شد.

پایان زغال با گاز

از سال ۱۳۴۹ به بعد، صدور پروانه اکتشاف زغال‌سنگ کک‌شونده به نام اشخاص و شرکت‌های خصوصی ممنوع می‌شود و این مجوز کلا در اختیار شرکت ملی ذوب‌آهن ایران قرار می‌گیرد. تحولات صنعتی در دهه ۵۰ نیاز صنایع به زغال سنگ را بیشتر می‌کند. مقدار استخراج زغال‌سنگ معدان اطراف مشهد در سال ۱۳۵۰ حدود ۵۰ هزار تن بود که حدود ۱۶ هزار تن آن در صنایع قند مصرف می‌شد و بقیه به مصرف سوخت کوره‌های آجرفشاری می‌رسید. طبق گزارشی، از سال ۱۳۵۴ برای جبران کمبود تولید کک موردنیاز صنایع داخلی مشهد، سالیانه مقداری زغال سنگ و کک از خارج هم وارد می‌شده است. با تأسیس وزارت نیرو در خرداد ۱۳۵۴ اطلاعات مربوط به زغال سنگ کشور در اختیار این وزارت قرار داده می‌شود. در این سال، چهار معدن زغال سنگ در اطراف مشهد فقط درحال استخراج بودند؛ گل بانو، آق دربند، آغنج و میان کوهی.



روایتی از آرامستانی کهن در نزدیکی مشهد

گورستانی در دل تاریخ



سیده نعیمه زینبی

آرامستان، گورستان، قبرستان و هرچیز دیگری که نامش را بگذاریم، نقطه‌آخری است که آدم‌ها را به دنیا متصل می‌کند، آخرین جایی از روی زمین که یک آدم می‌تواند بقایای خودش را در آنجا بگذارد و برود، جایی که بیشتر موجب دلخوشی بازماندگان است تا محل آرامش مردگان. قبرستان‌ها از همان ابتدای وجود بشر که هابیل دفن شد، همراه حیات آمده‌اند و قدامتشان به اندازه عمر آدمی است، پس هرجا بشر پا گذاشته، پس از مدتی آرامستان هم جای خودش را یافته است تا پذیرای جسم ساکنان آنجا باشد، بنابراین اصطلاح قبرستان تاریخی، یک عبارت گنگ و دور از ذهن نیست و هرجایی که قدمت بیشتری دارد، یک قبرستان تاریخی هم دهان باز کرده است تا اجساد مردگان آن محل را ببلعد و به هاضمه زمین بسپارد، البته از نگاه پژوهشگران، تعریف مشخصی برای گورستان تاریخی وجود ندارد که همین موضوع باعث می‌شود برخورد‌های سلیقه‌ای از این بخش از فرهنگ و جامعه کهن ایرانی، دور نماند. حفظ این بخش از تاریخ به فهم شیوه سکونت، طرز تفکر و جهان‌بینی، آداب زیست و سنت‌های تدفین کمک می‌کند و چه‌بسا بخشی از هویت هر شهر یا روستا در میان قبرستانش، مدفون شده باشد. با این توضیح به‌سراغ یک قبرستان تاریخی رفته‌ایم تا از تاریخ و هویت آن منطقه در اطراف شهرمان رخ برداریم. قبرستان جعفری، مقصد ماست که نام یک تاریخ را یدک می‌کشد و بیش از هفتصد سال قدمت دارد.

- قبرستانی کنار روستا

روستای کهن سال جعفری در بیست‌ویک کیلومتری شمال غرب مشهد، بی‌اعتنا به کلان‌شهر هم‌جوارش به حیات خود ادامه می‌دهد. جعفری که بیلابی آشنای مشهدی‌هاست، تاریخی درخور توجه دارد و صاحب یک گورستان کهن نیز هست. این روستا بخشی از طربقه به‌حساب می‌آید که با یک چنار قدیمی هفتصدساله که قطر کمرش به دو متر می‌رسد، نیازی به اثبات برای تاریخی بودن ندارد. اهالی می‌گویند نام این روستا به‌دلیل وجود آبشارهای متعدد و رودخانه فصلی و آب فراوان، جعفری شده است و حتی بعضی‌ها یک روایت محلی برایش نقل می‌کنند. در این نگاه، اهالی روستا معتقدند جام آب یکی از سلاطین در آب چشمه این ده، ه‌عوط‌ره شده است و نام جعفری از جام غرق‌شده سلطان می‌آید. معرفی کوتاه روستا، مقدمه‌ای است برای اینکه به‌سراغ قبرستان آن برویم، قبرستانی کهن که در حاشیه غربی بیلابی زیبا و سرسبز و خوش‌آب‌وهوا جا خوش کرده است. قبرستان، سند قرص و محکمی است که قدمت روستای جعفری را بدون شبیه به اثبات می‌رساند و نشان می‌دهد که این آبادی، بیش از هفتصد سال عمر دارد. ۱۹۲۲ متر گسترده‌گی محوطه آرامگاه است که تا روستا حدود صد متر فاصله دارد. برای رسیدن به این قبرستان، از طربقه حدود دو کیلومتر و از مشهد حدود بیست کیلومتر باید راه پیمود. برای کسانی که به تاریخ علاقه دارند و گاهی هزاران کیلومتر را برای دیدن یک اثر تاریخی طی می‌کنند، این فاصله زیاد به‌نظر نمی‌رسد.

قدیمی‌ترین سنگ‌قبری که پدزای نخستین مرگ روستا بوده است، در نقطه میانی قبرستان قرار دارد. شاید پیش از این قبر هم کسانی در اینجا دفن شده باشند، ولی اثری از آن‌ها باقی نمانده است که اکنون ما به آن استناد کنیم. تاریخی که روی سنگ قبر حک شده است، قدمت قبرستان را تا حدود قرن ۹ هجری قمری عقب می‌برد. این سنگ قبرها نشان از زمانی بین سال‌های ۹۸۶ و ۹۸۸ هجری قمری دارند؛ جایی که تیموریان بر مسند حکومت‌داری نشسته و امور کشور را در دست گرفته بودند. قدمت این گورستان با نگاهی به سنگ‌قبرهایی که در آن وجود دارد، تا اواخر دوره قاجار پیش می‌آید.

- قبرستانی که ثبت ملی شده است



موضوع دیگری که درباره این آرامستان کهن باید گفت، این است که قبرستان در دهه ۸۰ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. نخستین‌بار در سال ۱۳۷۸ به این محدوده توجه شد. در این سال در جریان بررسی و شناسایی آثار و ابنیه تاریخی شهرستان مشهد، میراث‌فرهنگی آن را شناسایی کرد. در سال ۱۳۷۹ یک پژوهشگر، پژوهشی را در باره قبور و سنگ‌قبرهای تاریخی آن انجام داد. این طرح پژوهشی را قدیر افروند به سفارش مرکز خراسان شمالی اجرا کرد. سال ۸۳ در طرح هادی روستا، قبرستان نقشه‌برداری و حریمش تعیین شد. سنگ‌قبرهایی که نشانی آخر اهل قبرستان است، دارای تزیینات است و نقوشی از شمع، گلاب‌پاش، مهر، قیچ و ماکو روی بعضی از آن‌ها دیده می‌شود. اشکال حکاکی‌شده، حکایت کوتاهی از زندگی انسانی است که در آن سرای خاکی به خواب رفته است. نقش تفنگ می‌گوید که صاحب قبر شکارچی بوده است. نقش اسب، سوارکار بودن او را به رخ می‌کشد. نقوش تتر، چاقو، داس، اره و چقچ نیز هر کدام یک روایت از صاحب قبر هستند. سنگ‌قبرها معمولاً بدون تراش و رودخانه‌ای روی گورها افزاشته شده‌اند. سنگ‌ها رسوبی و خاکستری مایل به سیاهند. در قسمت شمالی قبرستان، اتاقکی از خشت خام و کاهگل به‌چشم می‌خورد که هفت سنگ‌قبر قدیمی در آن وجود دارد. انگار یک آرامگاه خانوادگی است.

این گورستان کهن نیز از آسبیبی که آرامستان‌های تاریخی دیگر دیده‌اند، در امان نمانده و اسیر دخل و تصرف شده است. به‌سرفت رفتن سنگ‌های قدیمی، جای دادن سنگ‌های جدید و حفر قبور جدید در محل قدیمی قبرها، باعث شده است بیشتر سنگ‌های نفیس و تاریخی آن از بین بروند.

منبع:

تاریخ

اقتصادی از

دوره ناصری

با انقلاب

اسلامی، جلد

اول، مؤلفان:

علی نجف‌زاده

و جلیل

قصابی کرکوه.

تارنامای مرکز

پژوهش‌های

مجلس شورای

اسلامی.

روزنامه

حبل‌المتین.

شماره ۲۱،

سال ۹.

تاریخ و هویت

شنبه

۱۰ تیر ۱۴۰۲

۱۳ دی‌ماه ۱۴۴۴

شماره ۳۷۷

۱۵

